

بررسی مقاله «ترجمه‌های قرآن» از بوبتسین*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و رقیه بیرامی***

چکیده

نوشتار حاضر، بررسی و نقد مقاله «ترجمه‌های قرآن» در دایرة المعارف قرآن لیدن از هارتموت بوبتسین، مترجم قرآن، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه برجسته عصر حاضر است که تاکنون مقالات و کتاب‌های بسیاری در حوزه مطالعات قرآنی تألیف نموده است. وی در ابتدای مقاله، برخی از دلایل مخالفت مسلمانان با ترجمه قرآن را بیان نموده و سپس ترجمه‌های قرآن کریم را در جهان اسلام و خارج از جهان اسلام تا قرن بیستم و در طی قرن بیستم معرفی کرده و گاه نظراتی نیز در مورد برخی از ترجمه‌ها و مترجمان ارائه داده است.

در پژوهش حاضر، علاوه بر بیان نقاط قوت مقاله، نقاط ضعف و کاستی‌های آن مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. توجه نداشتن نویسنده به اصول، مبانی، روش‌ها و آسیب‌های ترجمه قرآن، تبیین نکردن مطلب و ارائه توضیحات ناقص در برخی قسمت‌ها، عدم ارائه اطلاعات لازم در معرفی ترجمه‌های قرآن، معرفی معایب یا محاسن برخی ترجمه‌ها بدون توجه به دیگر ویژگی‌های بارز آنها و عدم ارائه کاملاً منصفانه و بی‌طرفانه مطالب. از جمله موارد نقدپذیر مقاله است که بر اساس اصول و مبانی ترجمه قرآن کریم و شرایط مترجم قرآن و نیز قیاس دیدگاه‌های نویسنده با مطالب به دست آمده از منابع معتبر و دیدگاه علمای مسلمان و شیعه، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژگان: قرآن، ترجمه، ترجمه‌های قرآن، دایرة المعارف لیدن، مستشرقان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) Rezaee@quransc.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث Beirami.r@gmail.com

مقدمه

ترجمه قرآن کریم تنها راه آشنایی غیر عرب‌ها با متن آن می‌باشد؛ لذا غربیان تاکنون ترجمه‌های متعددی از قرآن و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. بررسی مدخل «ترجمه‌های قرآن» از هارتموت بوبتسین در دایرة المعارف لیدن می‌تواند بیانگر بخشی از دیدگاه آنان پیرامون ترجمه‌های موجود قرآن باشد.

در پژوهش حاضر، بررسی مدخل در مواردی به طور غیر مستقیم با توجه به اصول و مبانی ترجمه قرآن صورت گرفته است و در مواردی نیز با توجه به اظهار نظرهای مؤلف پیرامون برخی از ترجمه‌ها و مترجمان آنها و بررسی‌های صاحب‌نظران مسلمانان درباره آن ترجمه‌ها صورت گرفته است.

زیست‌شناخت هارتموت بوبتسین

این اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه برجسته عصر حاضر، الهیات پروتستان، مطالعات مذهبی، شرق‌شناسی، سامی‌شناسی و هندوشناسی را در دانشگاه ماربرگ / لان از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ م گذراند و همانجا در سال ۱۹۷۴ م دکترا گرفت.

او در سال ۱۹۸۶ م فوق‌دکترای خود را از دانشگاه «فردریش - الکساندر ارلانگن - نورنبرگ» در زمینه فلسفه سامی و علوم اسلامی دریافت کرد و در سال ۱۹۹۲ م استاد مطالعات اسلامی شد و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ م معاون رئیس و مسئول امور بین‌الملل همان دانشگاه شد و از سال ۲۰۰۳ م عضو دائم گروه فلسفی - تاریخی «آکادمی علوم بایرن» می‌باشد. وی همچنین سردبیر مجله مطالعات عربی در دانشگاه ارلانگن می‌باشد.

وی تاکنون مقالات و کتاب‌های بسیاری در حوزه مطالعات قرآنی تألیف کرده است. وی علاوه بر تسلط بر بسیاری از زبان‌های سامی و هندو و اروپایی، در دو زمینه اصلی تخصص دارد:

۱. تاریخ آشنایی اروپاییان با قرآن و نخستین تلاش‌های غربیان در شناخت و معرفی اسلام طی قرون وسطا و دوران پس از رنسانس که در این زمینه کتاب «قرآن در عصر

اصلاح‌طلبی و نواندیشی» (۱۹۹۶م) را تألیف کرده است.

۲. ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی، به ویژه آلمانی، که در این باب نیز علاوه بر چند کتاب و مقاله، ترجمه شاعرانه فریدریش روکرت از قرآن به زبان آلمانی را چندی پیش از نو بازنویسی و بازچاپ کرده است.

ترجمه هارتموت بوبتسین از قرآن کریم با عنوان (Der Koran) در سال ۲۰۰۹م در آلمان منتشر شد. وی در این ترجمه با اشراف بر تمامی سبک‌ها، الگوها و نمونه‌های موفق و ناموفق از ترجمه آلمانی قرآن کوشیده است روشی مرکب از روش شاعرانه و ادبی فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶م) و روش دقیق و واژه‌شناسانه رودی پارت (۱۹۰۲-۱۹۸۰م) را برگزیند. از این نظر ترجمه وی هم از زیبایی ادبی و هم از دقت زبانی و فقه اللغوی برخوردار است.

این ترجمه در چاپ جدید در سال ۲۰۱۰م مورد بازبینی قرار گرفته و ملحقات و نیز فهرستی تفصیلی از اسامی و مفاهیم قرآنی نیز به آن افزوده شده است. به تازگی به بازار کتاب کشورهای آلمانی زبان عرضه شده است و مورد ستایش فراوان مطبوعات و صاحب نظران قرار گرفت و به عنوان استاندارد جدید مطرح گردید (ر.ک: سایت مرکز پژوهش ادیان جهان، ترجمه آلمانی قرآن کریم توسط هارتموت بوبتسین).

برخی از مقالات و کتاب‌های «هارتموت بوبتسین» در حوزه مطالعات قرآنی بدین قرار است:

۱. در باب تعداد چاپ‌های قرآن لاتینی (مجموعه طلیطله) توسط بیبلیاندر در سال ۱۵۴۳م [۱]؛

۲. شرح و تفسیر عبارت ﴿فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا﴾ (مریم/۲۴) [۲]؛

۳. فریدریش روکرت و قرآن [۳]؛

۴. درآمدی بر قرآن [۴]؛

۵. قرآن در عصر اصلاح‌طلبی و نواندیشی: تاریخچه اولیه مطالعات عربی و اسلامی در

اروپا [۵]؛

۶. کتاب قرائت قرآن: شرح و تفسیری بر مهم‌ترین فقرات و آیات قرآن [۶]؛
۷. مروری کوتاه بر ترجمه‌های لاتینی قرآن [۷]؛
۸. لوتر و اسلام: تعلیم مواجهه یا راهی برای گفت‌وگو [۸]؛
۹. سهم مارتین لوتر در شناخت (معرفی) و نقد دین اسلام [۹]؛
۱۰. در باب ویرایش جدید ترجمه آلمانی قرآن از ماکس هنینگ [۱۰]؛
۱۱. نکاتی در باب اهمیت اختلاف قرائت و نحو در تفسیر الجلالین [۱۱]؛
۱۲. مطالعات قرآنی در غرب تا پیش از سال ۱۸۰۰م [۱۲]؛
۱۳. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ [۱۳]؛
۱۴. ترجمه‌های قرآن [۱۴]؛
۱۵. مجادلات مسیحی علیه قرآن [۱۵]؛
۱۶. کار تئودور بیبلیاندر در باب قرآن (انتشار ترجمه لاتینی به سال ۱۵۴۲-۱۵۴۳م) [۱۶].

گزیده‌ای از ترجمه مدخل «ترجمه‌های قرآن»

ترجمه‌های قرآن در اوایل گسترش اسلام از همان اهمیتی که ترجمه‌های انجیل در مسیحیت رواج داشت، برخوردار نبودند. این موضوع به نقش عرب‌ها به عنوان مخاطبان و گروندگان اصلی اسلام، عقیده به تقلید ناپذیری سبک قرآن کریم و تأکید بر عربی بودن آن در خود قرآن فصلت/۲-۳؛ یوسف/۲؛ رعد/۳۷؛ طه/۱۱۳؛ زمر/۲۸؛ شوری/۷؛ زخرف/۳ مرتبط است. مسلمانان تنها شکل معتبر تلاوت قرآن را فقط به زبان عربی می‌دانند و فقط مذهب حنفی استثناهایی را در این باب مجاز دانسته است.

ترجمه قرآن در جهان اسلام تا اوایل قرن بیستم

قرآن همیشه تلاوت می‌شد و بعد از آن از متن عربی به زبان‌های بومی تفسیر می‌شد بر اساس آن توضیح داده می‌شد. از تفسیر زمخشری ذیل آیه چهارم سوره ابراهیم، معلوم می‌شود که او نه تنها ترجمه قرآن از نص عربی را مجاز می‌دانست، بلکه چنین ترجمه‌هایی

عملاً وجود داشته است. قدیمی‌ترین نمونه، ترجمه تفسیر ماندگار جامع البیان طبری به زبان فارسی می‌باشد که برای امیر سامانی ابو صالح منصور ابن نوح (۹۶۱-۹۷۴ م / ۳۴۹-۳۶۳ ق) فراهم شد. یک نسخه قدیمی به زبان ترکی، تقریباً به طور همزمان بر مبنای نسخه فارسی به وجود آمد.

محرك‌های مهم جهت ترجمه قرآن کریم از تقابل بین جهان اسلام و مسیحیت برخاست. این اقدام ابتدا در اسپانیا در نتیجه تسلط دوباره مسیحیت و در هند در نتیجه استعمار انگلیس آغاز گردید. در اسپانیا از قرن پانزدهم، ترجمه‌های قرآن به زبان الخامید و (از گویش‌های قدیم اسپانیایی) صورت گرفت.

اولین ترجمه قرآن به ترجمه ترکی در قاهره در سال ۱۸۴۲ م و ترجمه‌ای ترکی از تفسیر الجلالین در سال ۱۸۷۷ م منتشر شد. در استانبول، ترجمه‌های ترکی از سال ۱۸۶۵ م منتشر شدند.

اولین ترجمه به زبان صربی - کروات (بر اساس یک ترجمه فرانسوی) در بلغراد به سال ۱۸۹۵ م منتشر شد.

در جهان اسلام در قرن بیستم

در نیمه اول قرن بیستم، ترجمه‌های قرآن به مهم‌ترین زبان‌هایی که مسلمانان بدان‌ها سخن می‌گفتند، هنوز منتشر نشده بود.

در آفریقا یک ترجمه به زبان زنگباری یکی از لهجه‌های سواحلی (چاپ در سال ۱۹۲۳)، توسط گودفری دیل و ج. دبلیو. برومفیلد منتشر شد. این ترجمه به رغم کیفیت زبانش، به دلیل افزودن یک متن جدلی مسیحی، برای مسلمانان پذیرفتنی نبود.

در این دوره، فعالیت‌های تبلیغی جنبش احمدیه و تلاش‌های دولت کمال آتاتورک در ترکیه برای انتشار قرآن به خط لاتین با این هدف که فقط آوانگاری لاتین را بدون انتشار متن عربی قرآن به همراه آن چاپ کند، بسیار اهمیت یافت. بحث درباره قرآن در جمهوری ترکیه، منجر به مباحث مهمی در الازهر شد که در قالب مقالات مهم متعددی در مجله الازهر به انتشار درآمدند.

در مقابل، نویسنده تازه مسلمان انگلیسی، مارمادوک پیکتال (۱۹۳۶-۱۸۷۵م)، موضعی محافظه کارانه تر در پیش گرفت. وی در سال ۱۹۳۰م ترجمه‌ای از قرآن با عنوان «معنی و مفهوم قرآن مجید» منتشر کرد و آن را چنین توصیف کرد: «اولین ترجمه انگلیسی قرآن به وسیله یک انگلیسی مسلمان» این ترجمه که شامل تفسیر بسیار کمی می‌باشد، موفقیت شگفت‌انگیزی در میان مسلمانان داشته و هنوز هم تجدید چاپ می‌شود.

روزنامه‌نگار معروف اتریشی، لئوپولد وایس (۱۹۹۲-۱۹۰۰م)، تازه مسلمان برجسته دیگری بود که پس از تغییر آیین در ۱۹۲۶م نام محمد اسد را برگزید. او در سال ۱۹۸۰م یک ترجمه انگلیسی از قرآن در جبل الطارق منتشر کرد. چهار سال بعد از پیکتال (۱۹۳۴م)، ترجمه دیگری که هنوز مرسوم و متداول است، از سوی دانشمند هندی، عبدالله یوسف علی (۱۹۵۱-۱۸۷۲م) صورت گرفت که به وضوح پاسخی به اثر پیکتال بود.

بعد از جنگ جهانی دوم، تلاش‌ها برای قابل دسترس ساختن قرآن به زبان‌های مختلف تا سر حد امکان افزایش یافت همواره انگیزه عقیدتی این بود که هدف اصلی از ترجمه، تبیین معنای قرآن باشد. از این پس، تعداد ترجمه‌هایی که توسط مسلمانان صورت گرفت بسیار بیشتر از ترجمه‌های غیر مسلمانان بود.

تعداد رو به افزایش مسلمانان مهاجر از کشورهای مختلف اسلامی در کشورهای اروپایی اهمیت زیادی داشته است. این پدیده باعث شد مسلمانان ترجمه قرآن به زبان‌های کشورهای میزبان را وظیفه خود بدانند.

ترجمه‌های قرآن خارج از جهان اسلام تا حدود ۱۷۰۰م

در قرون وسطا و پیش از عصر جدید، ترجمه‌های قرآن توسط غیر مسلمانان، در ابتدا از برخورد جدلی با اسلام نشأت گرفت. هیچ ترجمه کاملی از قرآن به زبان یونانی باقی نمانده است. اما بقایای این ترجمه‌ها را می‌توان در آثار جدلی متکلمان بیزانسی مانند نیکتاس بیزانسی (قرن ۳ق/۹م) یافت. همچنین نشانه‌هایی از یک ترجمه قرآن احتمالاً سریانی از قرآن را می‌توان در رساله جدلی برصلیبی (م. ۵۶۵ ق/۱۱۷۰)، از متکلمان شام غربی، علیه یهودیان، نسطوریان و مسلمانان یافت.

قرآن به طور کامل بارها به زبان لاتین ترجمه شد، ولی فقط دو ترجمه آن یعنی ترجمه رابرت کتونی (۱۵۳۴م) و ترجمه لودویکو ماراتچی (۱۶۹۸ و ۱۷۲۱م) به چاپ رسیده است. کهن‌ترین ترجمه کامل قرآن به زبان لاتین در اسپانیا در سال‌های ۴۳-۱۱۴۲، با تلاش راهب اعظم دیر کلونی، پی‌تر ونه رابل (۱۱۵۶-۱۰۹۲م) انتشار یافت. مترجم آن، دانشمند انگلیسی روبرت کتونی بود و در این کار از شخصی به نام محمد که زبان مادری‌اش موریش بود، کمک گرفت.

این ترجمه به همراه چندین متن اسلامی غیر قرآنی، احتمالاً به دلیل پیوند با دیر کلونی، رواج قابل ملاحظه‌ای در اروپا یافت. مهم‌ترین اشکال ترجمه این است که ویژگی خاص قرآنی در بیان کلام خداوند به صورت اول شخص مفرد با عبارات صرفاً ارجاعی، مبهم و نامشخص شده است.

با این وجود، به علت انتشار آن در سال ۱۵۴۳م به عنوان یک اثر مرجع، تأثیر بسیار خوبی حتی تا قرن هفدهم داشت.

ضمناً این نسخه پایه و اساس اولین ترجمه ایتالیایی قرآن گردید که به طور کامل باقی مانده است.

دومین ترجمه کامل قرآن به زبان لاتین متعلق به حوزه مناقشات جدلی با اصول موحدان می‌باشد که در قرن‌های ششم تا هفتم هجری / دوازدهم تا سیزدهم میلادی در شمال آفریقا و اسپانیا حکومت می‌کردند.

سومین ترجمه لاتین توسط خوان سگوویایی (حدود ۱۴۵۸-۱۳۹۸م) صورت گرفت که در اصل یک ترجمه ثانویه از روی ترجمه قرآن به زبان کاستیلیانی کهن بود که بین سال‌های ۱۴۵۴ و ۱۴۵۶م در صومعه ایتون در ساووی با همکاری دانشمند مسلمان عیسی بن جابر (عیسی شاذلی)، تصنیف شد.

ترجمه فردریک لودویکو ماراتچی ایتالیایی (۱۷۰۰-۱۶۱۲م) در سال ۱۶۹۸ منتشر شد، در یک دوره کاملاً جدید ایجاد شد. ماراتچی توانست برای ترجمه‌اش از مجموعه نسخه‌های خطی عربی متعلق به کتابخانه واتیکان که در آن زمان بسیار غنی بود، بهره گیرد. ماراتچی مهم‌ترین تفاسیر اسلامی قرآن را در این کتابخانه یافت. آنها را در ترجمه

خود بسیار به کار برد و اقتباس‌های متعددی او به عربی با ترجمه لاتین چاپ شد. ترجمه او به دلیل صحت و اعتبارش، امروزه هم می‌تواند به شایستگی مورد استفاده قرار گیرد. ترجمه ماراتچی همانند ترجمه‌هایی که قبلاً به لاتین منتشر شدند، به مرجعی الگو برای ترجمه به سایر زبان‌های اروپایی تبدیل شد.

ترجمه آلمانی کشیش اهل نورنبرگ، دیوید نرتز (۱۷۲۹-۱۶۴۹)، آشکارا و مستقیم به ترجمه ماراتچی مبتنی است. این ترجمه از نظر تاریخی سومین ترجمه آلمانی قرآن است که انعکاس قابل توجهی نداشت.

قدیمی‌ترین ترجمه کامل به یک زبان اروپایی جدید، یعنی ایتالیایی، نسخه‌ای است که در سال ۱۵۴۷ م منتشر شد.

اگر چه در عنوان آن ادعا شده که «این ترجمه‌ای جدید از اصل عربی است»، همانطور که دو لغت‌شناس برجسته لایدن، یوستوس ژوزف اسکالیژه و توماس ارپینوس، خاطر نشان ساخته‌اند، این ترجمه در اصل بر مبنای ترجمه لاتینی تئودور بیلیاندر در سال ۱۵۴۳ م می‌باشد.

آریوا بنه ترجمه خود از قرآن را در سه جلد ارائه کرد که متن قرآن فقط در جلد دوم و سوم آن آمده بود.

اولین ترجمه آلمانی قرآن، توسط کشیش نورنبرگ سالومون شوایگر (۱۶۲۲-۱۵۵۱)، بر مبنای ترجمه قرآن آریوابنه می‌باشد.

نخستین ترجمه فرانسوی (پاریس ۱۶۴۷ م) از آندره دوریه (۱۶۷۲ م) می‌باشد که به عنوان یک دیپلمات ابتدا در سمت قائم مقام کنسول فرانسه در اسکندریه و قاهره و سپس به عنوان مترجم حضوری و سفیر در استانبول فعالیت می‌کرد. او یکی از اولین مطالعات درباره دستور زبان ترکی را منتشر کرد و یکی از مشهورترین آثار ادبیات فارسی یعنی گلستان سعدی را به فرانسوی (۱۶۳۴ م) ترجمه کرد.

ترجمه قرآن دوریه، قدیمی‌ترین ترجمه کامل به یک زبان جدید اروپایی است و موفقیت ادبی بی‌نظیری داشت. تجدید چاپ‌های متعدد آن در فرانسه حتی چاپ‌های بیشتر آن در هلند در قرن‌های هفدهم و هجدهم این موضوع را تأیید می‌کند. ترجمه دوریه لحن

جدلی آثار قبلی را که عمدتاً در محیط کلیسا شکل گرفته بود، نداشت. موفقیت ترجمه دوریه به رغم کاستی‌های لغوی‌اش که توسط معاصران او شناخته شد، ناشی از این است که مبنایی برای ترجمه‌های دیگر شد.

بلافاصله دو سال بعد از اولین چاپ ترجمه فرانسوی در سال ۱۶۴۹م، نویسنده اسکاتلندی الکساندر راس، یک ترجمه انگلیسی از نویسنده‌ای نامعلوم منتشر کرد. راس ترجمه‌اش را با گزارشی کاملاً سنتی از زندگی محمد ﷺ و شرح گسترده‌ای از اسلام شروع کرد. مشکلات ناشی از سیاست سانسورگری موجود در آن دوران از عنوان فرعی این کتاب یعنی «اعلام خطر به کسانی که می‌خواهند بدانند چه فایده یا خطری در مطالعه قرآن وجود دارد» آشکار می‌شود.

ذکر این نکته بسیار جالب توجه است که نخستین ترجمه منتشر شده در آمریکا ترجمه راس بود، نه ترجمه سیل که در آن زمان کاملاً جای ترجمه راس را در بریتانیا گرفته بود. دومین زبانی که ترجمه قرآن دوریه به آن برگردانده شد، هلندی بود. مترجم آن منونیت یان هندریکس گلازه ماکر (۱۶۸۲م) متخصص زبان‌های لاتین، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی بود. این ترجمه نخستین بار در آمستردام در سال ۱۶۵۸ منتشر شد. هنوز تأثیر ترجمه دوریه بر سومین ترجمه آلمانی به پایان نرسیده بود که دو ترجمه روسی «پتر واسیلیف پوسینکوف» به دستور پتر کبیر در سال ۱۷۱۶م در سن پترزبورگ و ترجمه میخائیل ایوانویچ وروکین (۱۷۳۳-۱۷۹۵م) در سال ۱۷۹۰م از این ویرایش فرانسوی تأثیر گرفتند.

ترجمه‌های قرن ۱۸ خارج از جهان اسلام

ترجمه‌ای که توسط دانشمند و خاورشناس انگلیسی، جورج سیل (۱۷۳۶م) صورت ۲۹ گرفته، تأثیر آن تا امروز ادامه دارد.

سیل درباره ترجمه ماراتچی می‌نویسد: «این ترجمه... خیلی دقیق است، ولی اصطلاحات عربی را خیلی تحت‌اللفظی آورده که فهمیدن آن بسیار دشوار شده است». بدون شک، ترجمه سیل بر اساس متن عربی است. وی برای توضیحات مرتباً از تفسیر

بیضاوی کمک گرفته و پیوسته به تفسیری که ماراتچی در متن آورده بود، مراجعه نموده و در یادداشت‌های جامع‌اش از ترجمه ماراتچی بسیار استفاده کرده است.

«گفتار آغازین» مبسوط آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چه سیل در این مقدمه، توضیحات مفصلی درباره تاریخ و آیین عرب‌های ما قبل اسلام ارائه می‌دهد و بیش از همه به کتاب «گزیده‌های تاریخ عرب» تکیه می‌کند. افزون بر این، به این گفتار آغازین، یک مقدمه کلی درباره قرآن و مروری اجمالی بر مهم‌ترین فرقه‌های اسلامی افزود. ترجمه سیل به طور شگفت‌انگیزی موفق بود. فقط در قرن هجدهم چهار مرتبه و در قرن نوزدهم بیش از شصت بار منتشر شد. این ترجمه هنوز هم در بازار موجود است. چهارمین ترجمه آلمانی قرآن توسط تئودور آرنولد (۱۷۶۱-۱۶۸۳م) مبتنی بر ترجمه سیل می‌باشد. الکسی واسیلیوف کلماکوف سومین ترجمه روسی قرآن و اشتوان سوکلی (۱۸۸۲-۱۹۰۴م) اولین ترجمه مجاری را بر اساس ترجمه سیل فراهم آوردند.

نخستین برگردان آلمانی از اصل عربی را در سال ۱۷۷۲ دانشمند اهل فرانک فورت، دیوید فردریش مگرلین (۱۷۷۸-۱۶۹۹م) منتشر ساخت. مگرلین کاملاً به سنت جدلی مسیحی سابق علیه اسلام پایبند بود. گوته این ترجمه را اسفبار خوانده است. یک سال بعد ترجمه مستقیم دیگری از عربی به وسیله کشیش کود لینبرگ، فردریک ابرهارد بویزن (۱۸۰۰م)، تصنیف شد.

کلود اتی بین ساواری (۱۷۸۸-۱۷۵۰م)، در سال ۱۷۸۳م ترجمه فرانسوی جدیدی را ارائه کرد. او سعی کرد در ترجمه‌اش ویژگی زبانی سبک قرآن را به طور ارزشمندی حفظ کند؛ لذا گفته است: «در حد توانم سعی کرده‌ام به ایجاز، شور و انرژی و شکوه سبک قرآن تأسی کنم». بیش از همه، ابهام و پیچیدگی سبک ویژه این ترجمه را نباید نادیده گرفت.

۳.

ترجمه‌های خارج از جهان اسلام در قرن نوزدهم

ترجمه دیگری از قرآن که هنوز موجود است توسط آلبین دی بیبراشتاین کازیمیرسکی (۱۸۸۷م)، یکی از مهاجرین لهستانی به فرانسه صورت گرفت. ترجمه‌های اسپانیایی خوزه گاربر دو روبلس (۱۸۴۴م)، وینسنت اورتیزدلا پوئولا (۱۸۷۲م) و نیز ترجمه

روسی کی. نیکولایف (۱۸۶۴م)، همه بر اساس ترجمه کازیمیرسکی می‌باشند. علاوه بر ترجمه‌های دیگر از سایر زبان‌ها، ترجمه کازیمیرسکی مبنای دو ترجمه هلندی از ال.جی.ای. تالنس (۱۸۵۹م) و سالوم کیزر (۱۸۶۰م) نیز بوده است.

همچنین در سال ۱۸۴۰م ترجمه‌ای آلمانی توسط (لودویگ) باروخ اولمان خاخام شهر کروفیلد (۱۸۴۳م) منتشر شد. اولمان در اثر خود تحت تأثیر مقاله دانشمند برجسته یهودی، آبراهام گیگر (۷۴-۱۸۱۰م) با عنوان «آنچه محمد از یهودیت عاریه گرفته است» قرار داشت. در مقدمه ترجمه‌اش بر عقیده خود این طور تأکید می‌ورزد: «مزیت این ترجمه بر سایر ترجمه‌ها ملاحظه و مستندسازی دقیق تمام چیزهایی است که محمد ﷺ از یهودیت به عاریه گرفته است».

این ترجمه به رغم انتقادهای شدید دانشمندان برجسته زبان عربی مانند تئودور نولدکه (۱۹۳۰-۱۸۳۶م) و اچ.ال. فلاشر (۸۸-۱۸۰۱م) به سبب ضعف‌های لغوی آن، در سال ۱۸۹۷م برای بار نهم منتشر شد.

چند سال قبل از اولمان، شاعر و خاورشناس آلمانی فردریش روکرت (۱۸۶۶م)، چاپ جدید عربی قرآن توسط گوستاو فلوگل را مبنای کار خود قرار داد. وی تلاش کرد ترجمه‌ای شاعرانه از قرآن همراه با حفظ استانداردهای واژه‌شناسی آن زمان، البته نه به صورت ترجمه‌ای کامل از قرآن، ارائه دهد.

اولین ترجمه سوئدی قرآن نوشته دیپلمات و زبان‌شناس، ج. فردریک کرو سنستولپه (۱۸۸۲-۱۸۰۱م) می‌باشد که به همراه مقدمه‌ای تاریخی در سال ۱۸۴۳م چاپ شد.

بعد از آن در سال ۱۸۴۷م کارل یوهان تورنبرگ (۱۸۷۷-۱۸۰۷م)، یکی از شاگردان دی ساسی که در لاند مطالعات شرق‌شناسی تدریس می‌کرد، دومین ترجمه سوئدی را فراهم آورد.

اولین ترجمه ایتالیایی از متن عربی اثر کوالیئری وینچنزوکالتزا (۱۸۴۷م) می‌باشد. ^{۳۱} اولین نسخه لهستانی قرآن توسط جان مورتسا تاراک بوتساک می‌باشد.

ترجمه عبری سال ۱۸۵۷م اثر دانشمند یهودی هرمان رکندروف (حدود ۱۸۷۵م) قابل ملاحظه است.

جوزف جوئل ریولین ترجمه عبری دیگری در سال ۱۹۳۷م فراهم آورد که هنوز رایج‌ترین

ترجمه‌های عبری می‌باشد. هارون ابن شمس سومین ترجمه عبری را در سال ۱۹۷۱م منتشر کرد. به این لیست ترجمه عبری سال ۲۰۰۵م نوشته یوری روبین را نیز باید افزود.

در سال ۱۸۶۱م، یک ترجمه انگلیسی جدید از قرآن توسط کشیشی به نام جان مدوز رادول (۱۹۰۰م) که دوست قدیمی داروین بود، عرضه شد و برای اولین بار در ترجمه‌های قرآن، سوره‌ها با توجه به ترتیب نزول مرتب شده بودند. رادول می‌توانست به آثار قبلی مانند «محمد پیامبر محبوب» از گوستاو وایل، «زندگانی محمد» از ویلیام مویر و «تاریخ قرآن» تئودور نولدکه مراجعه کند، ولی او دیدگاه‌های خود را پیرامون ترتیب سوره‌ها دنبال کرد و سوره‌های قبلی‌تر را بر اساس محتوا و موضوع و نه اشارات تاریخی مرتب ساخت. یکی از ویژگی‌های این ترجمه، توجه رادول به ماهیت اصالتاً شفاهی قرآن می‌باشد. وی در مقدمه ترجمه خود نوشته است: «در رابطه با همه سوره‌ها باید خاطر نشان سازیم که این‌ها متن‌هایی نه برای خوانندگان بلکه برای شنوندگان بودند - که همگی با قرائت در میان عموم مردم منتشر می‌شد - و فهماندن بسیاری از مطالب همان گونه که جملات مبهم نشان می‌دهد، به عهده حالت و طرز قرائت قاری بوده است».

جی - مارگلیو که ترجمه را برای «کتابخانه‌ای برای همه» در سال ۱۹۰۹م بازنگری کرد، در مقدمه‌اش آن را این طور توصیف می‌کند: «این ترجمه یکی از بهترین ترجمه‌هاست که تاکنون ارائه شده است و به نظر می‌رسد به میزان زیادی با جوی که محمد ﷺ در آن زندگی می‌کرد، همراه شده و جملاتش مملو از حال و هوای شرقی می‌باشد».

در سال ۱۸۷۵م اولین ترجمه اسپانیایی از اصل عربی به وسیله یک مسیحی به نام بنیگنو د مورچوندو ی اوگارتوندو منتشر شد. مانند ترجمه ماراتچی، این ترجمه نیز شامل ردیه‌ای جامع بر اساس دیدگاه کلیسای کاتولیک بود. این موضوع در عنوان آن کاملاً نمایان است.

سه سال بعد، اولین ترجمه یونانی جدید توسط گراسیموس آی. پنتاکز، منتشر شد. ۳۲

اولین ترجمه روسی قرآن از اصل عربی توسط گوردی سمنوویچ سابلوکوف (۱۸۸۰م)، خاورشناسی از قازان، بر اساس نسخه معروف به قرآن پترزبورگ منتشر شد. ناشر آن برای انتشار ترجمه قرآن در سری مشهور «متون مقدس مشرق‌زمین»، خاورشناس کمبریج، ادوارد هنری پالمر (۱۸۸۲م) را استخدام کرد.

دو بخش این ترجمه در سال ۱۸۸۰م به عنوان جلدهای ششم و نهم این مجموعه منتشر شدند. اچ. ای. آر. گیب (۱۸۹۵-۱۹۷۱م) نیز این ترجمه را «نسبتاً تحت اللفظی و ضعیف» توصیف کرد. با این وجود، ترجمه پالمر بارها تجدید چاپ شد و حتی در سال ۱۹۲۸م، به مجموعه مشهور «آثار کلاسیک جهان» با افزودن یک «مقدمه» توسط رینولد آلین نیکلسون (۱۹۵۴-۱۸۶۸م)، ملحق شد. دو سال بعد (۱۸۸۲م)، اولین ترجمه پرتغالی در ریودو ژاینرو، بدون ذکر نام مترجم منتشر شد.

ترجمه‌های قرن بیستم در خارج از جهان اسلام

پیشرفت در واژه‌شناسی عرب در قرن نوزدهم در ابتدا بر ترجمه‌های قرآن تأثیر زیادی نداشت و حتی در قرن بیستم نیز ترجمه‌هایی با ضعف لغوی بسیار موفق می‌باشند. یک نمونه خوب از این مورد، ترجمه آلمانی ماکس هنینگ (۱۹۲۷م) می‌باشد که مطمئناً او یک عرب‌شناس نبود. این ترجمه ابتدا در سال ۱۹۰۱م در یک جلد در مجموعه بسیار متداول و رایج «کتابخانه جهانی» در لایپزینگ منتشر گردید. این به جهت تفسیر جامع و دقیقش مشهور و برای مطالعه راحت است، ولی از نظر واژه‌شناسی قابل اعتماد نیست. شایان ذکر است که این ترجمه توسط مقامات ترک برای مهاجران ترک منتشر شد. سه ترجمه دیگر یعنی ترجمه انگلیسی ریچارد بل، ترجمه فرانسوی رژی بلاشر و ترجمه آلمانی رودی پرت به علت ویژگی‌های ماندگار علمی برجسته بودند. عرب‌شناس اسکاتلندی ریچارد بل (۱۸۷۶-۱۹۵۲م) آیات قرآن را بر اساس خاستگاه تک تک آنها دوباره مرتب کرد. این کارش به سبب نظریه تصنیف قرآن در «سه دوره اولیه» قرآنی و دوره کتاب می‌باشد. اگر چه نمی‌توان تحلیل بل از همه نظر پذیرفت، اما ترجمه بسیار دقیق او یک میراث ارزشمند برای فهم و درک تاریخی متن قرآن می‌باشد. هیچ پژوهشگر قرآنی در مورد ارتباط درونی و باطنی سوره‌ها، به اندازه بل تأمل نکرده است.

در سال ۱۹۴۷م عرب‌شناس فرانسوی رژی بلاشر (۱۹۷۳-۱۹۰۰م) یک مقدمه سه

جلدی به (مقدمه‌ای بر قرآن) و نیز ترجمه‌ای جدید از خود قرآن ارائه کرد که در آن سوره‌ها (مانند ترجمه رادول) به ترتیبی که نولدکه پیشنهاد کرده بود، فقط با کمی اصلاحات آورد. ترجمه دقیق بلاشر به سبب رعایت مداوم سبک‌های مهم قرائت قرآن برجسته می‌باشد که گاهی به ترجمه‌ای متفاوت با برداشتی سنتی از متن روی می‌آورد. او پیوسته به دو تفسیر جامع طبری و رازی و نیز تفسیر البیضاوی و مدارک التنزیل و حقایق التاویل نسفی توجه داشت.

قبلاً در سال ۱۹۳۵م رودی پرت مقاله خود را با عنوان «طرح یک ترجمه نوین و ساده تفسیری - علمی از قرآن»، منتشر کرد. وی در این مقاله، دریافت کلی خود را در ترجمه‌ای با زمینه تاریخی ارائه داد که هدف اصلی آن ارائه متن قرآن در همان سبکی که معاصران پیامبر از زبان او می‌شنیدند، می‌باشد.

بنابراین، تفاسیر عربی که «تفسیرهای متأخر آنها توضیحات غیر تاریخی از متن دارند»، فقط باید با دقت فراوان استفاده شوند و در عوض باید «راهی برای فهم بخش‌های مشکل از خود قرآن به دست آورد».

ترجمه آلمانی عادل تتودور خوری (۱۹۸۷م) کاملاً به برداشت پرت از نص قرآن وابسته است، اما نمی‌توان هیچ اشاره‌ای به ترجمه‌های احتمالی دیگر در آن یافت. خوری، بر اساس این ترجمه، یک تفسیر دوازده جلدی (۲۰۰۱-۱۹۹۰م) منتشر کرد که متأسفانه در پژوهش‌های تاریخی و ادبی قرآن گامی به جلو محسوب نمی‌شود؛ زیرا فقط به طور گزینشی از ادبیات پژوهشی معاصر استفاده کرده است. او در سال ۲۰۰۴م یک تفسیر تک جلدی مختصر به همراه متن و ترجمه منتشر کرد.

در بین ترجمه‌های متعدد انگلیسی، ترجمه آرتور جان آربری (۱۹۶۹-۱۹۰۱م)، متخصص زبان عربی کمبریج، جایگاهی ویژه دارد. عنوان «قرآن تفسیر شده» نشان می‌دهد که آربری عقیده داشت قرآن ترجمه ناپذیر است؛ همان نظریه‌ای که برای اولین بار پیکتال در بین انگلیسی زبان‌ها بر آن تأکید بسیار ورزید. برخلاف بل، آربری قصد داشت «آن اسلوب‌های بدیعی و موزون را که مایه شکوه و جلال قرآن هستند، هر چند ناقص، تقلید کند» و مهم‌تر از آن «هر سوره را به عنوان یک اثر تماماً هنری نشان دهد

که بخش‌های اغلب نامرتبط آن نظامی باشکوه و قابل ستایش را تشکیل می‌دهد». ترجمه آربری به سبب ساختار زبانی آن در میان مسلمانان جایگاهی خاص به دست آورد. در سال ۱۹۹۰م دو ترجمه جدید هم زمان منتشر شد. آندره شوراکی با زبانش که بسیار به سبک کتب عهدین نزدیک بود، و پیش‌تر کتاب مقدس را نیز ترجمه کرده بود، سعی کرد بر پیوستگی سه آیین توحیدی تأکید ورزد.

بررسی و نقد

مقاله هارتموت دارای نقاط قوت و ضعف است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

اول. نقاط قوت

الف) بررسی ترجمه‌ها در طی قرون مختلف و در جهان اسلام و خارج از آن؛

ب) داشتن تخصص در برخی زمینه‌ها و به کارگیری آنها توسط نویسنده؛

هارتموت بوبتسین، به علت داشتن پژوهش‌های گسترده و کتاب‌ها و مقالات بسیار در مورد ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی در قرون وسطا و نیز ترجمه‌های آلمانی، انگیزه اولیه اروپاییان در ترجمه قرآن را تقابل بین جهان اسلام و مسیحیت معرفی نموده است. وی همچنین توضیحات مبسوط‌تر و دقیق‌تری در مورد ترجمه‌های لاتین و نیز ترجمه‌های آلمانی ارائه داده است.

ج) رعایت انصاف و اظهار نظر صحیح در معرفی اکثر ترجمه‌ها؛

به رغم اینکه نویسنده، برخی از ترجمه‌های کشورهای اسلامی و مترجمان را معرفی نکرده، در مورد ترجمه‌های مدّ نظر خود مانند ترجمه‌های پالمر، ماکس هنینگ، رودی پرت، اولمان، روکرت، ساواری، آربری و پیکتال، واقعیت را بیان کرده و به حق سخن گفته است.

۳۵ بوبتسین ترجمه آلمانی خود را از قرآن بر اساس ترجمه رودی پرت انجام داده است و در معرفی ترجمه وی به مطلب مهمی که پرت برای فهم معانی آیات قرآن به آن توجه داشته یعنی استفاده از خود قرآن برای فهم معانی آن یا همان روش «قرآن به قرآن» اشاره نموده است.

د) ارائه اطلاعات مفید در مورد تاریخ چاپ و انتشار ترجمه‌ها؛

ه) اشاره به برخی از نخستین ترجمه‌های ذکر نشده در منابع دیگر. یکی از مزایای این مقاله این است که حداقل به تاریخ انتشار اولین ترجمه‌های پرتغالی، سوئدی، لهستانی، صربی - کرواتی و یونانی جدید اشاره‌ای کرده است و یا در مورد ترجمه‌های عبری قرآن کریم که در دیگر منابع معمولاً توضیحات کمتری در مورد آنها داده می‌شود، مطالبی را مطرح نموده است.

دوم. نقاط ضعف

نوشتار بوبتسین در دایرة المعارف لیدن از ضعف‌هایی رنج می‌برد که در ذیل به اهم آنها اشاره کرده و مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

۱. توجه نداشتن نویسنده به اصول، مبانی، روش‌ها و آسیب‌های ترجمه قرآن در همه ادیان، ترجمه کتب مقدس امری مهم تلقی می‌گردد که دارای مفاهیم، بنیادها، دشواری‌ها و نیز معیارهایی یکسان و مشترک می‌باشند، به ویژه اینکه در عصر حاضر، دستورالعمل‌هایی در باب اصول و مبانی و شیوه‌های ترجمه کتب مقدس و قرآن کریم از سوی دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان تعیین و ارائه گردیده است؛ از این رو بر هر نویسنده‌ای لازم است قبل از شروع نگارش مقاله یا کتابی در این زمینه ابتدا مروری بر موارد مذکور داشته باشد.

متأسفانه، بوبتسین به رغم تحقیقات دقیق و آثار بسیاری که در زمینه علوم قرآنی و ترجمه‌های قرآن از سوی اروپاییان عرضه داشته، در این مقاله پس از توضیحی بسیار کوتاه و ناقص در باب دلایل امکان یا عدم ترجمه قرآن از دیدگاه مسلمانان، بلافاصله به بررسی و معرفی تاریخی ترجمه‌ها در قرون مختلف پرداخته است. در حالی که می‌توانست تحقیقات بیشتری در باب امکان یا عدم امکان ترجمه قرآن کریم و دلایل آنکه در بحث مبانی وجودی ترجمه قرآن جای دارد، انجام دهد و به دلایلی ناقص در این مورد اکتفا نکند. توجه به شرایط ویژه مترجم کتب مقدس علی‌الخصوص قرآن کریم، از جمله آشنایی مترجم با علوم قرآنی و پیش نیازهای لازم برای ترجمه، توجه به آسیب شناسی ترجمه‌های قرآن و اطلاع از ضوابط و قواعد مؤثر در اعتبار ترجمه، در معرفی ترجمه‌های معتبر و غیر

معتبر به خواننده تأثیر به سزایی دارد.

در مورد آسیب‌های اخلاقی ترجمه چون تعصب‌های قومی، مذهبی، کلامی و تقلید که در بسیاری از ترجمه‌های غربی دیده می‌شود و مترجم را دچار لغزش می‌کند و به رویکرد علمی و اعتبار ترجمه لطمه وارد می‌سازد، (رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن، ۳۳۷) انتظار می‌رود که هارتموت بوبتسین با توجه به تخصصی که در زمینه ترجمه‌های اروپاییان از قرآن به ویژه در قرون وسطا و دوره رنسانس دارد، لاقلاً در معرفی ترجمه‌هایی که آسیب‌های فوق در آنها بارز و مورد انتقاد جمع بسیاری از محققان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفته، به این موارد اشاره‌ای می‌کند؛ برای مثال، آندره شورکی بخشی از آیات قرآن را که در آنها یهودیان مورد سرزنش قرار گرفته اند، در ترجمه فرانسوی خود از قرآن، حذف نموده که نوعی اقدام تعصب آمیز مذهبی و خیانت در امانت به شمار می‌رود و بابزین تنها به معرفی ترجمه او اقدام کرده است (همان، ۳۴۱).

همچنین در مبحث تقلید که در ترجمه قرآن جایز نمی‌باشد، جرج سیل در مواردی همچون افسانه غرانیک از ماراتچی تقلید کرده و همین لغزش را رادول و پالمر در برداشت‌شان از ترجمه سیل مرتکب شده‌اند (همان، ۳۳۸).

۲. توضیحات ناکافی در باره سیره مسلمانان بر ترجمه قرآن

در ابتدای این مقاله، نویسنده اذعان دارد که در آغاز گسترش اسلام ترجمه‌های قرآن بین مسلمانان اهمیت زیادی نداشته و این امر مانع رواج آن گردیده است. وی سپس به چند دلیل چون تقلید ناپذیری سبک قرآن و عربی بودن آن اشاره می‌کند که از دیدگاه مسلمانان علت مخالفت آنان با ترجمه قرآن بوده. در پاسخ باید گفت: گزارشاتی وجود دارد که نشان می‌دهد مسلمانان از ابتدا به امر ترجمه قرآن اهتمام داشته‌اند. برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: درخواست مسلمانان فارسی زبان یمن از سلمان فارسی مبنی بر ترجمه سوره حمد در زمان پیامبر ﷺ و تقریر ایشان؛ قرائت آیاتی از سوره مریم توسط جعفر بن ابی طالب به زبان حبشی (امهری) برای حاضران در مجلس نجاشی و نامه‌های پیامبر اسلام ﷺ برای نجاشی، «مقوقس» پادشاه مصر، پادشاه ایران و امپراطور

روم که حاوی آیات قرآن بود و به طور طبیعی توسط مسلمانان حامل نامه یا مترجمان دربار آنان، ترجمه می‌شد (رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن، ۱۳۵).

در بین دانشمندان اسلامی اعتقاد به عدم جواز ترجمه قرآن مطرح نبوده است تا اینکه فتوای «خواندن ترجمه قرآن در نماز» توسط ابو حنیفه موجب بروز اختلافاتی در زمینه قرائت سوره حمد به زبان غیر عربی در نماز بوده است، بلکه این امر به جنبه فقهی مسئله یعنی جواز شرعی قرائت حمد مربوط می‌شود نه به ترجمه قرآن برای تبلیغ و رساندن معنای آن (همان، ۳۴۱).

اینکه در عصر متأخرین در ممالکی همچون ترکیه عثمانی و توابع آن مانند سوریه و مصر عده‌ای با ترجمه قرآن کریم به مخالفت پرداختند، یک مسئله سیاسی و استعماری در آن دخیل بوده است. (همان، ۱۴۰).

مخالفان ترجمه قرآن از جمله محمد رشید رضا که دلایلی را برای مخالفت خود ابراز داشته‌اند، دیگر اینکه ناشی از عقیده به اعجاز قرآن کریم یا عربی بودن آن می‌باشد (همان، ۱۴۲). دانشمندان و علمای اسلامی نیز به این دلایل پاسخ گفته و با این روند به مبارزه و مخالفت پرداخته‌اند. بر این اساس، کسی نمی‌تواند ادعا کند که مسلمانان با ترجمه قرآن مخالف بوده‌اند؛ چه گزارشات تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌هایی مسلمانان حتی برای ترجمه تفسیر نیز از علما کسب فتوا می‌کردند. شایان یادآوری است که برخی از دانشمندان که ترجمه قرآن را امکان‌پذیر نمی‌دانستند، خود به ترجمه قرآن اقدام نموده‌اند. این امر نشان می‌دهد که مقصودشان ترجمه مطلق قرآن کریم که بتواند جایگزین آن شود، امکان ندارد نه ترجمه نسبی آن (همان، ۱۳۰).

بنابراین، در این بخش از مقاله، لازم بود که نویسنده بر این نکته که مسلمانان حداقل در این قرن به مخالفان و موافقان ترجمه تقسیم می‌شوند و هر کدام دلایلی را در این زمینه مطرح نموده‌اند، تأکید می‌کند نه اینکه تنها چند مورد از دلایل مخالفان را مطرح نموده و این ذهنیت را در خواننده به وجود آورد که این عقاید از آن تمام مسلمانان بوده است.

همچنین استثنایی را که نویسنده در باب تلاوت قرآن به عربی در مذهب حنفی به صورت مبهم ذکر کرده، در مورد قرائت حمد است و ابو حنیفه نیز طبق گزارشاتی بعداً از

این رأی خود برگشته است (همان، ۱۳۲).

زمخشری آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾ (ابراهیم/۴) را دلیل پذیرش جواز ترجمه قرآن از سوی خود و وجود ترجمه‌های قرآن معرفی می‌کند. درست است که دانشمندانی چون زمخشری، بیضاوی، برسویی و خواجه عبدالله انصاری ذیل تفسیر آیه مذکور، با ترجمه قرآن موافق بوده‌اند (همان، ۱۳۹)، ولی بهتر بود نویسنده با ارائه گزارشات تاریخی صدر اسلام و برخی دلایل موافقان ترجمه قرآن، این بحث را کامل‌تر مطرح می‌کرد و موضع مسلمانان را در این زمینه به صورت مجمل بیان نمی‌کرد.

۳. معرفی ناقص فرقه احمدیه با وجود درج دیدگاه آنها درباره بخشی از آیات قرآن

یکی دیگر از موضوعاتی که در این مقاله در مورد آن توضیحات کافی و مناسب ارائه نشده و ممکن است به درستی توسط خواننده درک نشود و تبیین مطلب مورد نظر را فراهم نیآورد، اشاره نویسنده به دیدگاه فرقه احمدیه در مورد بخشی از آیات قرآن و فعالیت‌های این فرقه در ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی است.

بوتسین اشاره می‌کند که این فرقه به ترجمه قرآن بسیار اهمیت می‌دانند و تمایلات عقل‌گرایانه در ترجمه‌های آنها وجود داشته است. وی سپس به بخشی از ترجمه این فرقه از داستان سلیمان و موران در سوره نمل اشاره می‌کند و بعد از ذکر این بخش، موضوع را رها کرده و دیگر در مورد آن مطلبی را نمی‌آورد.

از آنجا که ترجمه قرآن برای این فرقه، وسیله‌ای برای تبلیغ عقایدشان می‌باشد (ترجمان وحی، ش ۲، ۱۲۹) و نیز با توجه به اینکه نویسنده در یکی از مقالات خود با عنوان «متکلمان مسیحی و قرآن»، این داستان را از جمله داستان‌هایی معرفی کرده که مارتین لوتر و دیگر مجادله‌نگاران مسیحی آن را داستانی خیالی با منشأ نامعلوم می‌دانند و ۳۹ اذعان داشته که این مترجمان به اشتباه آن را ترجمه کرده‌اند و قادر به فهم درست چنین داستان‌هایی نبوده‌اند (بوتسین، متکلمان مسیحی و قرآن، ترجمه رحمتی)، پس ممکن است یک غیر مسلمان ناآشنا با قرآن که این کتاب مقدس را وحی منزل بر پیامبر ﷺ قلمداد نمی‌کند، با مطالعه این قسمت از مقاله و مراجعه به قرآن، دچار تردید گردد که آیا

چنین داستان عجیبی که با معیارهای عقلی او ناسازگار است، می‌تواند صحت داشته باشد یا همین برداشت فرقه احمدیه از داستان صحیح‌تر است. بنابراین، لازم بود که نویسنده معرفی جامع و درستی از فرقه احمدیه و دیدگاه آنان در مورد معجزات پیامبران که در قرآن آمده، ارائه می‌داد یا پس از ذکر عقیده این گروه در مورد داستان مورد نظر، توضیح مختصری درباره این‌گونه داستان‌های، مطرح شده در قرآن ارائه می‌داد یا لاقلاً خواننده را برای درک و فهم صحیح این داستان به یکی از تفاسیر یا منابع اسلامی ارجاع می‌داد.

۴. عدم ارائه اطلاعات لازم در معرفی ترجمه‌های قرآن

با توجه به عنوان مقاله «ترجمه‌های قرآن» و اینکه خود نویسنده آن را به دو بخش اصلی، ترجمه‌ها در جهان اسلام و خارج از جهان اسلام تقسیم نموده است، معرفی معروف‌ترین و تأثیرگذارترین ترجمه در هر دوره و هر بخشی از ضروریات این نوشتار می‌باشد. ولی متأسفانه، در این مقاله پیرامون ترجمه قرآن در صدر اسلام، ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی و ترجمه های قرآن به زبان‌های دیگر در آسیا و آفریقا گزارش ناقصی ارائه گردیده است.

۵. ارائه دیدگاه‌های شاذ برخی مترجمان غربی در مورد قرآن و عدم تبیین آنها

نویسنده در معرفی مهم‌ترین ترجمه‌های قرن بیستم که یکی از آنها را ترجمه انگلیسی ریچارد بل می‌داند، به ویژگی خاص این ترجمه یعنی بازسازی آیات قرآن کریم در هر سوره بر اساس مراحل سه‌گانه تصنیف قرآن یعنی مرحله آیات، مرحله قرآن و مرحله کتاب اشاره کرده است و بلافاصله به مبحث تاریخ‌گذاری آیات از دیدگاه وی وارد شده و با ذکر جمله «اگر چه نمی‌توان تحلیل بل را از همه نظر پذیرفت، ولی ترجمه بسیار دقیق او یک میراث ارزشمند برای فهم و درک تاریخی متن قرآن می‌باشد»، خواننده را در تحلیل و درک صحیح در درست بودن یا نبودن این نظریه در تنگنا و سردرگمی رها می‌کند.

در نقد نویسنده که در واقع مؤید روش بل در تاریخ‌گذاری قرآن است باید گفت: مسئله تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های قرآن باید بر اساس دلایل تاریخی و روایات معتبر صورت گیرد (ر.ک: اسکندرلو، «تاریخ‌گذاری آیات قرآن از نگاه ریچارد بل و دانشمندان اسلامی» قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۷/۱) و اطلاع از درستی یا نادرستی آن از دیدگاه علمای

مسلمان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا این مسئله مربوط به یک کتاب مقدس است و ذکر دیدگاهی شاذ در مورد آن و سپس عدم توضیحی هر چند مختصر مربوط به آن، خواننده ناآشنا با قرآن و علوم قرآنی را دچار سردرگمی و تردید می‌کند. لذا برای روشن شدن موضوع بهتر بود که وی توضیحی هر چند کوتاه در مورد اصول و مبانی مسلمانان درباره تاریخ نزول آیات و سوره‌ها ارائه می‌کرد که با شیوه دایرة المعارف نگاری نیز تناسب بیشتری می‌داشت.

۶. مطابقت نداشتن کامل مطالب موجود در این مقاله با اهداف و رویکردهای دایرة المعارف لایدن

ادعاهایی که سردبیر دایرة المعارف لایدن در مقدمه آن مطرح نموده و رویکردهایی که مدنظر آنان بوده، با عملکرد نویسندگان در برخی مقالات ناسازگار است. برخی از این موارد در نقدهایی که توسط قرآن پژوهان بر تعدادی از مقالات این دایرة المعارف صورت گرفته، مشخص گردیده است.

یکی از رویکردهای این دایرة المعارف این است که ضمن احترام به دستاوردهای قرن‌های گذشته، موفقیت‌های این قرن را نیز ترویج می‌کند (رضایی اصفهانی، بررسی دایرة المعارف لیدن، ۵۸). که در این مقاله دستاوردها و ترجمه‌های قرون قبلی تقریباً معرفی شده‌اند، ولی در مورد معرفی دستاوردهای قرآنی این قرن به ویژه در جهان اسلام از جمله ترجمه‌های فارسی و برخی ترجمه‌های دیگر، قصور و کوتاهی صورت گرفته است.

ادعا شده که رویکرد علمی دایرة المعارف لایدن این است که گسترده‌ترین شعاع ممکن از یک تحقیق علمی موشکافانه درباره قرآن در آن می‌گنجد (همان، ۵۸). در این مورد نیز در مدخل «ترجمه‌های قرآن» شاهد عدم تحقیق علمی دقیق در مورد برخی ترجمه‌های قرآن و نیز عدم توجه به اصول و مبانی و روش‌ها و آسیب‌های ترجمه قرآن هستیم که این مسئله بر خلاف اهداف دایرة المعارف می‌باشد.

مشخص و روشن است که یکی از ویژگی‌های یک دایرة المعارف مطلوب این است که مطالب موجود در آن، خواننده را از مراجعه به منابع دیگر تا حد امکان بی‌نیاز سازد، ولی در مدخل «ترجمه‌های قرآن» مطمئناً خواننده نیاز به منابع دیگری برای تکمیل اطلاعات خود دارد؛ زیرا در برخی قسمت‌ها مانند ترجمه‌های لاتین، نویسنده توضیحاتی مختصر ارائه داده، ولی در موارد دیگری فقط نامی از ترجمه‌ها برده است.

۷. عدم ارائه کاملاً منصفانه و بی‌طرفانه مطالب از سوی نویسنده

با توجه به آثاری که بوبتسین در زمینه علوم قرآنی دارد و نیز ترجمه وی از قرآن که به سبک و دقت ترجمه رودی پرت می‌باشد، نمی‌توان ادعا کرد که از جمله خاورشناسان مغرضی است که به سرزنش آثار گذشتگان پرداخته و به تمجید ظاهری اسلام و قرآن روی آورده است.

نیز نمی‌توان انتظار داشت که بوبتسین چون یک دانشمند مسلمان که به تمام موضوعات قرآنی و اسلامی اعتقاد و آگاهی دارد، باید به قضاوت در مورد ترجمه‌ها و مترجمان قرآن می‌پرداخت؛ زیرا تا زمانی که دانشمندان مسیحی مطالب قرآنی را کاملاً و صد در صد به عنوان وحی بر پیامبر ﷺ نپذیرند، نمی‌توانند همچون کسانی که به تک تک مطالب آن به عنوان وحی الهی اعتقاد دارند، قضاوت و داوری نمایند و آن گاه که عمده منابع اروپاییان برای آشنایی با قرآن و احادیث فقط منابع اهل سنت باشد، مواردی متضاد با قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام همچون افسانه غرانیق را می‌توان در آثار آنها یافت. به هر حال، از شیوه‌ای که نویسنده در این مقاله در معرفی ترجمه‌های قرآنی و مترجمان از جمله ترجمه فرانسوی آندره شورکی، ترجمه‌های انگلیسی ریچارد بل و رادول دارد، نمی‌توان به این نتیجه رسید که داوری‌های وی کاملاً منصفانه و بی‌طرفانه و به دور از تعصبات مذهبی و کلامی به رشته تحریر در آمده است.

۸. معرفی معایب یا محاسن برخی ترجمه‌ها و عدم توجه به دیگر ویژگی‌های بارز آنها

نویسنده پیرامون برخی ترجمه‌ها به ذکر معایب یا محاسن آنها از دیدگاه خود پرداخته است، بدون اینکه ویژگی مثبت یا کاستی آن ترجمه را که از سوی صاحب‌نظران مسلمانان

مطرح گردیده، بیان نماید یا حداقل به آن اشاره‌ای داشته باشد. از جمله این ترجمه‌ها، ترجمه فرانسوی رژی بلاشر، ترجمه انگلیسی رادول و یا ترجمه آلمانی عادل تئودور خوری می‌باشد.

رژی بلاشر از خاورشناسانی است که در مقدمه مبسوط ترجمه قرآنش، در مورد تاریخ و علوم قرآنی که از مهم‌ترین موضوعات آن، مسئله جمع و تدوین قرآن در زمان رسول خدا ﷺ و پس از رحلت آن حضرت می‌باشد، بحث‌های گسترده‌ای دارد، به طوری که کتابت و تدوین قرآن در زمان پیامبر ﷺ را کامل ندانسته و همین کار را پس از رحلت ایشان به صورت مسئله‌ای شخصی برحسب اجتهادات صحابه در دوره ابوبکر و یا اقدامی حکومتی در دوره عثمان، آن هم ناظر به منافع قومی و قبیله‌ای خاص اعلام کرده است. او موضوع اختلاف قرائت را دلیل دیگری جهت عدم تدوین قرآن در حیات رسول ﷺ داشته است.

در حالی که بنابر عقیده شیعه، اختلاف قرائت و قرائت‌های خاص صحابه ریشه در زمان پیامبر ﷺ نداشته و حدیث «احرف سبعة» و قرائت گوناگون از مسائلی است که در اواخر قرن اول پیدا شده است (بدوی، دایرة المعارف مستشرقان، ۱۳۲-۱۳۴).

بلاشر از خاورشناسانی است که آرای او در این زمینه با علمای مسلمان و شیعه متفاوت است و یکی از دلایلی که موجب بروز این اختلافات از سوی خاورشناسان گردیده، استفاده از متون و منابع اهل سنت می‌باشد (همان) و وی با وجود سمت استادی زبان عربی در سورین هم در مقدمه قرآن و هم در ترجمه‌اش که از ترجمه‌های خوب می‌باشد، اشتباهات شگفت‌انگیزی دارد. کتاب «مسئله محمد» وی از داوری‌های نادرست خالی نبوده و در کتاب تاریخ ادبیات عرب اشتباهات گوناگونی دارد. وی از مطالبی که در بخش‌هایی از آن آورده، هدفش این بود تا اعلام کند پیامبر ناخوانا و نانویسا نبوده، در قرآن سخن تازه‌ای که قریش از آنها آگاه نباشد، نبوده و در روزگار نزولش، قرآن تأثیر مثبتی بر ادبیات عرب نداشته است (حسینی طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان، ۱۰۸/۱-۱۲۱).

نویسنده در معرفی ترجمه رژی بلاشر اولاً به اشتباهات وی در مقدمه و ترجمه قرآنش اشاره‌ای نکرده است. ثانیاً در مورد دیدگاه بلاشر درباره مسئله اختلاف قرائت که آن را

دلیلی بر عدم تدوین قرآن در زمان پیامبر ﷺ می‌داند، مطلبی را به جز این جمله غیر واضح «ترجمه دقیق بلاشر به خاطر رعایت مداوم سبک‌های مهم قرائت قرآن برجسته می‌باشد که گاهی به ترجمه‌ای متفاوت با برداشتی سنتی از متن روی می‌آورد» بیان نکرده است و فقط، ترجمه او را به سبب رعایت مداوم سبک‌های مهم قرائت قرآن، ستوده است. در رابطه با ترجمه آلمانی عادل تئودور خوری، استاد اسلام‌شناسی و ادبیات در دانشکده الهیات دانشگاه مونستر، باید گفت که ترجمه وی حجیم‌ترین و کامل‌ترین ترجمه و تفسیر در زبان آلمانی است که طی دوازده سال (۱۹۹۰-۲۰۰۱م) در آلمان منتشر شده است. وی کشیشی کاتولیک، عرب زبان و اهل لبنان بود و ترجمه وی پس از ترجمه رودی پرت مشهور و متداول می‌باشد.

منابع تفسیری وی عبارت است از: تفسیر بیضاوی، تفسیر ابن کثیر، التفسیر الکبیر فخر رازی، جامع البیان، کشف زمخشری، المنار رشید رضا، البیان شیخ طوسی و المیزان علامه طباطبایی و جز اینها، همچنین تمامی ترجمه‌های آلمانی، ترجمه انگلیسی یوسف علی، کتب علوم قرآنی، اسباب نزول، تاریخ تفسیر و نیز مهم‌ترین آثار قدیم و جدید خاورشناسان غربی در باب اسلام و قرآن مورد استفاده خوری بوده است. در حالی که در مورد این ترجمه، بوبتسین فقط به ذکر بخشی از معایب ترجمه وی از دیدگاه خودش پرداخته است و به رغم محسنات زیاد این ترجمه، آن را به درستی معرفی نکرده است.

رادول از خاورشناسانی است که همچون تئودورنولدکه، گوستاووایل، بلاشر، ریچار دبل، ویلیام مویر، گریم و هرشفلد، پیرامون تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های قرآن کریم اظهار نظر نموده است. وی، همان طور که بوبتسین هم بیان نموده است، در بازسازی تاریخی قرآن و توجه به اسباب نزول طبق نظر خود عمل نموده و سوره‌ها را بر اساس محتوا و موضوع مرتب کرده است. ولی متأسفانه، نویسنده همانند آنچه در معرفی ترجمه ریچارد بل آورده، این موضوع را مخالف دیدگاه علمای مسلمان مطرح نکرده و فقط به ذکر آن اکتفا نموده است.

همچنین بوبتسین به قول جی - مارگلیو ترجمه رادول را یکی از بهترین ترجمه‌ها می‌داند، در حالی که وی در مقدمه‌اش، پیامبر ﷺ را تهیه کننده قرآن دانسته و به سایر مبلغان مسیحی پیشنهاد کرده که چگونه برای پیشرفت خود عمل کنند و ترجمه‌اش به

رغم شهرت زیاد، دارای اشتباهات فراوان می‌باشد (رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن، ۱۰۹). در واقع، نویسندگان فقط به تمجید این ترجمه و مترجم آن پرداخته و با شیوه معرفی خود، آن را ترجمه‌ای عاری از هر گونه اشتباه یا نقص جلوه داده است.

نتیجه

هر چند معرفی ترجمه‌های قرون مختلف در جهان اسلام و خارج از آن، رعایت انصاف و اظهار نظر صحیح در معرفی اکثر ترجمه‌ها، ارائه اطلاعات مفید در مورد تاریخ چاپ و انتشار ترجمه‌ها و اشاره به برخی از نخستین ترجمه‌های ذکر نشده در منابع دیگر از نقاط مثبت این مقاله می‌باشد، ولی به علت عدم توجه به ضرورت‌ها و پیش نیازهای ترجمه قرآن دچار کاستی است و نویسندگان تقریباً تمام متن را به بررسی تاریخی ترجمه‌ها اختصاص داده و در عین حال، تمام ترجمه‌های معتبر، به ویژه ترجمه‌های ایرانی و کشورهای اسلامی را به طور کامل معرفی نکرده است.

مسئله اصول و مبانی ترجمه کتب مقدس، به ویژه قرآن، و شرایط مترجم در تحلیل و قضاوت نویسنده درباره ترجمه‌ها و مترجمان قرآن مد نظر نبوده است که این نکته نیز از ضعف‌های مقاله است.

دیگر اینکه اظهار نظر و داوری درباره برخی از ترجمه‌ها از سوی هارتموت بوتسین کاملاً بی طرفانه و منصفانه صورت نگرفته و وی نظریات شاذ موجود در برخی از ترجمه‌ها را که مخالف دیدگاه مشهور مسلمانان می‌باشد، مثبت و معقول جلوه داده است.

پی نوشتها

[1]“ Zur Anzahl der Drucke von Biblianders Koran Ausgabe im Jahr 1543,” Basler Zeitschrift für Geschichte und Altertumskunde 85 (1985) pp. 213-219.

[2]“Zur Deutung von Fa-nādāhā min taḥtihā (Sure 19, 24),” Zeitschrift für Aden (1981) pp. 70-72.

[3]“Friedrich Rückert und der Koran,” Der Koran in der Übersetzung von Friedrich Rückerts, Würzburg, 1995, pp. vii-xxxiii.

[4]“Der Koran: eine Einführung. Munich: Beck, 1999 (Beck'sche Reihe, 2109) pp.127.

[5] Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa. Beirut: Deutsche Morgenländische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995 (Beiruter Texte und Studien, 42), Pp.xiv+598. [Printed editions.]

[6] Koranlesebuch. Wichtige Texte neu übersetzt und kommentiert. Freiburg: Herder, 2005, pp.224.

[7]“Latin translations of the Koran: a short overview,” Der Islam 70ii (1993) pp. 193-206; also in: The Koran: critical concepts in Islamic studies, edited by Colin Turner, London & New York: Routledge Curzon, 2004, vol. 4, pp. 116-127.

[8]“Luther und der Islam: Anleitung zu Konfrontation oder Dialog?” Erziehung zur Kulturbegegnung: Modelle für das Zusammenleben von Menschen verschiedenen Glaubens, Schwerpunkt Christentum - Islam. Referate und Ergebnisse des Nürnberger Forums 1985, edited by J. Lähnemann, Rissen, 1986, pp. 117-131.

[9]“Martin Luthers Beitrag zur Kenntnis und Kritik des Islam,” Neue Zeitschrift für systematische Theologie und Religionsphilosophie 27 (1985), pp. 213-221.

[10]“Zur Neuauflage von Max Hennings Koranübersetzung,”

Zeitschrift für arabische Linguistik (Wiesbaden) 27 (1994) p. 92.

[11] “Notes on the importance of variant readings and grammar in the Tafsīr al-Ġalālayn,” Zeitschrift für arabische Linguistik (Wiesbaden) 15 (1985) pp. 33-44.

[12] “ Pre-1800 preoccupations of Qur’ānic studies,” Encyclopaedia of the Qur’ān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2004, vol. 4, pp. 235-253.

[13] “ Siehe, wir sandten ihn herab als arabischen Koran,” Bibliotheksforum Bayern 27i (1999), pp. 3-16.

[14] “Translation of the Qur’ān ,” Encyclopaedia of the Qur’ān, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2005, vol. 5, pp. 340-358.

[15] “ "A treasury of heresies": Christian polemics against the Koran,” The Qur’ān as text, edited by Stefan Wild, Leiden: Brill, 1996 (Islamic Philosophy, Theology and Sciences: Texts and Studies, XXVII), pp. 157-175.

[16] “ Über Theodor Biblianders Arbeit am Koran (1542/3),” Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 136 (1986), pp. 347-363 (summary [English], pp. 362-363).

منابع

۱. اسکندریلو، محمدجواد (۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری آیات قرآن از نگاه ریچارد بل و دانشمندان اسلامی»، دوفصل‌نامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۱.
۲. اقبال، مظفر (۱۳۸۸)، «مطالعات آکادمیک مستشرقان در مورد قرآن»، دوفصل‌نامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۷.
۳. بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۷)، *دایرة المعارف مستشرقان*، ترجمه صالح طباطبایی، تهران، انتشارات روزنه.
۴. یوبتسین، هارتموت (۱۳۸۵)، «متکلمان مسیحی و قرآن»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، نشریه آینه پژوهش، ش ۹۸ و ۹۹.
۵. ترجمان وحی، قم، مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی، ش ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ ش.
۶. ترجمان وحی، قم، مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی، ش ۲، اسفند ۱۳۷۶.
۷. حسینی طباطبایی (۱۳۷۵)، *نقد آثار خاورشناسان*.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶)، *منطق ترجمه قرآن*، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «بررسی دایرة المعارف قرآن لیدن»، دوفصل‌نامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۱.
۱۰. کوشا، محمدعلی (۱۳۸۹)، «سیر تاریخی کمی و کیفی ترجمه‌های فارسی قرآن»، فصل‌نامه ترجمان وحی، ش ۲۸.
۱۱. منصوری، مسعود (۱۳۷۹)، «تأملی در برخی از تقاطع قوت و ضعف ترجمه رودی پرت»، فصل‌نامه ترجمان وحی، ش ۸.

12. Bobzin, Hartmut, *Translations Of The Qur'an*, (Encyclopaedia of the quran, Jane Dammen McAuliffe(General Editor) Vol.5, pp. 340-358), Liden, Brill, 2001-2006